



Studies on Understanding Hadith

P-ISSN: 2588-3895

E-ISSN: 2588-4417



DOI: 10.30479/mfh.2025.21738.2459

A Sociological Analysis of the Evolutionary Trajectory of Four Narrations of the Hadith Prohibiting Mut'ah Marriage Utilizing the Concept of Hadith Memory

Hadi Khajavi¹

Valiollah Barzegar klishomi^{2*}

Fatemeh Ahmadvand³

Shadi Nafisi⁴

Abstract

The origin and nature of hadiths have become central questions in modern Islamic studies, attracting significant scholarly attention. Some researchers argue that the origin of many hadiths lies in the reconstruction of the memories of the Companions (Ṣaḥābah) regarding the Prophet Muhammad (peace be upon him) after his demise. Hadith memory refers to the recollection of the Prophet's actions or sayings, framed within the structure of a hadith, which is imprinted as a memory in the minds of those who witnessed him. After the Prophet's passing, narrators reconstructed their memories of him in accordance with the social context and the needs of their time, aligning them with specific social functions. This process often led to phenomena such as narration by meaning (naql bi'l-ma' nā) and the fragmentation of hadiths (taqṣīr al-aḥādīth). The focus of this research is to explain the process of reconstructing hadith memories and the contextual factors that shaped them. The reconstruction of the Companions' memories of the Prophet (peace be upon him) subjected the hadiths to issues such as narration by meaning and fragmentation. Through a case study of the evolution of four narrations of the hadith memory regarding the prohibition of mut'ah marriage (temporary marriage) as narrated by Sabrah al-Juhani, this study provides evidence of such phenomena. The social function of the various narrations was to persuade the audience of the prohibition of mut'ah marriage by the Prophet (peace be upon him) after his death, particularly during the first Islamic century.

Keyword

Sabrah al-Juhani, Prohibition of Mut'ah Marriage, Narration by Meaning, Fragmentation of Hadiths.

Article Type: Research

1. PhD Student in History and Civilization of Islamic Nations, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. Email: Hadi.Khajavi1359@ut.ac.ir
2. Responsible Author, Assistant Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. Email: v.barzegar@isr.ikiu.ac.ir
3. Assistant Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. Email: ahmadvand@isr.ikiu.ac.ir
4. Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: shadinafisi@ut.ac.ir

Received on: 13/03/2025

Accepted on: 15/07/2025

Copyright © 2025, Khajavi, Barzegar klishomi, Ahmadvand & Nafisi

Publisher: Imam Khomeini International University.





تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸
شماره: ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸

مطالعات فہم حدیث



DOI: 10.30479/mfh.2025.21738.2459

واکاوی جامعہ شناختی سیر تطور چہار تحریر از حدیث نہی نکاح متعہ با بهره گیری از ایدہ خاطرات حدیثی

۱. هادی خواجوی
۲. ولی الہ برزگر کلشیمی
۳. فاطمہ احمدوند
۴. شادی نفیسی

چکیدہ

منشأ و چستی احادیث از پرسش هایی است کہ در دوران جدید مورد توجہ دوبارہ پژوهشگران مطالعات اسلامی قرار گرفتہ است. نگارش حجم انبوهی از احادیث در عصر رسول خدا (ص) با توجہ بہ سنت آموزشی مبتنی بر نقل شفاهی، کمبود و گرانہ ادوات نگارش سازگاری نداشت. لذا ضروری است با بهره گیری از ساحت دانش های دیگر بہ تبیین شکل گیری احادیث پرداخت. برخی از پژوهشگران منشأ بسیاری از احادیث را بازآفرینی خاطرات صحابہ از پیامبر اسلام (ص) می دانند. خاطره حدیثی، یادآوری رفتار و یا فعلی از پیامبر (ص) در چہار چوب حدیث است؛ کہ بہ عنوان یک خاطره در مغز و حافظہ شاہدان نقش بستہ است. موضوع پژوهش تبیین فرآیند بازآفرینی خاطرات حدیثی و زمینہ های شکل گیری آن می باشد. یافتہ ها حاکی است روایان متناسب با بافت اجتماعی و نیازهای عصری، خاطرات از پیامبر اسلام (ص) را در راستای یک کارکرد اجتماعی و یا تحت تاثیر تغییرات زبانی و واژگان بازآفرینی می کنند؛ بہ صورتی کہ این فرآیند منجر بہ تغییراتی در واژگان، مضامین و مفاهیم روایت می شود. این پژوهش با ارزیابی موردی تطور چہار تحریر از خاطره حدیثی نہی نکاح متعہ سیرہ جہنی، شواہدی از این گونه عوارض را ارائه می دہد. کارکرد اجتماعی تحریرهای مختلف احادیث در راستای متقاعدسازی مخاطب بر تحریم نکاح متعہ توسط رسول (ص) بعد از فوت ایشان در سده اول می باشد.

کلیدواژہا

خاطرات حدیثی، نکاح متعہ، سیر تطور احادیث، قرآن محوری در سبک تبلیغی رسول خدا، نگرش صحابہ بہ رسول خدا.

نوع مقالہ: پژوهشی

۱. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین. Hadi.Khajavi1359@ut.ac.ir
۲. استادیار گروه تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین (نویسنده مسئول). v.barzegar@isr.ikiu.ac.ir
۳. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه بین المللی امام خمینی، قزوین. ahmadvand@isr.ikiu.ac.ir
۴. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران. shadinafisi@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۴



ناشر: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

۱. طرح مسأله

منشا و چیستی احادیث از پرسش‌هایی است که در دوران جدید مورد توجه پژوهشگران مطالعات اسلامی قرار گرفته است. پژوهش‌هایی که در حوزه سنت آموزشی عرب، ویژگی‌های خط عربی، نبود ادوات نگارش و ... صورت گرفته، نشان داد که کتابت احادیث در سطحی وسیع در عصر نبوی غیر ممکن بوده است. همچنین وجود خودآگاهی در نزد یاران پیامبر (ص) از این جهت که سخنان ایشان ارزشمند است و در آینده مورد نیاز قرار می‌گیرد محل تردید است. پژوهش‌های جدید با ارزیابی سنت آموزشی عرب، انتقال حدیث در سده اول را ترکیبی از نقل شفاهی، نقل به معنا^۱ و یادداشت‌های حدیثی می‌داند (نک: شولر، ۱۳۹۳ش). همچنین قرآن‌محوری در سبک تبلیغی رسول (ص) اهتمام و توجه به هر چیزی غیر از قرآن را نفی می‌کند. مسلماً اگر امکان نگارش وسیع از جهت فرهنگ آموزشی، نوشت‌افزار، توانایی کتابت در بافت فرهنگی حجاز وجود داشت؛ اولویت با کتابت قرآن بود. بر این اساس چگونگی فرآیند انتقال احادیث از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

این پژوهش در صدد پاسخگویی به چگونگی فرآیند شکل‌گیری احادیث بر اساس بسط ایده خاطرات حدیثی^۲ می‌باشد. هارالد موتسکی در کتاب «Analysing Muslim Traditions» شیوه انتقال احادیث را در چهارچوب خاطرات صحابه از رسول خدا (ص) توصیف می‌نماید. احمد پاکتچی در کتاب «تاریخ حدیث» اقدام به بسط و تبیین این ایده می‌پردازد. وی در راستای تئوریزه کردن این ایده به کارکرد اجتماعی خاطرات حدیثی صحابه در جامعه اسلامی می‌پردازد. این پژوهش نخست با تبیین موانع اجتماعی و فرهنگی کتابت حدیث در عصر نبوی و ارائه شواهدی تاریخی از سبک تبلیغی رسول خدا (ص)؛ در پاسخ به سؤال پژوهش، چگونگی شکل‌گیری حدیث را یادآوری خاطرات صحابه از رسول خدا می‌داند. سپس به بررسی موردی حدیث نهی نکاح متعه^۳ سیره

۱. از پژوهش‌های قابل ذکر در حوزه نقل به معنا، می‌توان به کتاب «فقه‌الحديث: مباحث نقل به معنا» احمد پاکتچی جهت ملاحظه نمونه‌های از احادیث که دچار عارضه نقل به معنا شده‌اند؛ مراجعه نمود. ۲. از نمونه‌های خاطرات صحابه از رسول خدا (ص) می‌توان به روایاتی از جانب عایشه اشاره کرد. روایاتی که در آن عایشه در حال بازگویی مشاهدات و یا تجربه خود با رسول خدا (ص) می‌باشد. از نمونه‌های آن می‌وان به روایت «كُنْتُ أَغْتَسِلُ أَنَا وَرَسُولُ اللَّهِ مِنْ إِنَاءٍ وَاحِدٍ مِنَ الْجَنَابَةِ» (احمدبن حنبل، ۱۴۲۱ق، ۴۲: ۲۳۴).

۳. از آثار شیعی در دفاع از متعه می‌توان به کتاب «حلیه المتعه» حسن بن زین‌الدین عاملی (م ۹۶۶ق) با رویکردی حدیثی، کتاب «نکاح المتعه» سیدمحمدکاظم یزدی (م ۱۳۳۷ق) صاحب عروه با رویکردی فقهی، کتاب «نکاح المتعه فی الشریعه الاسلامیه» شیخ محمدحسین کاشف الغطاء (م ۱۳۷۳ق) با رویکردی فقهی- اجتماعی، کتاب «جامع الاحادیث فی المتعه» سیدمرتضی عسگری (م ۱۳۸۶ش) با

جهنی در میان اهل سنت و سیر تطور چهار تحریر از آن بر اساس دیدگاه خاطره حدیثی خواهد پرداخت. شایان ذکر است که این روایت به عنوان نمونه موردی برای ارزیابی ایده خاطرات حدیثی و ترسیم سیر تطور آن مورد استفاده قرار گرفته است. این روایت یکی از روایت‌های موجود در گنجینه احادیث اهل سنت می‌باشد. بدیهی است که با ارزیابی صرفاً یک حدیث نمی‌توان حکمی در راستای قبول، عدم پذیرش، حلیت و یا حرمت متعه زنان صادر نمود.

از نمونه‌های ارزیابی سیر تطور احادیث می‌توان به مقاله «The Will of Sad b. al. Waqqas: the Growth of a Tradition»^۱ اسپیت اشاره کرد. وی به بررسی ۱۹ تحریر از حدیثی منسوب به پسران و دختران سعد بن ابی وقاص پرداخته است. طبق این حدیث، پیامبر اسلام، سعد را از وصیت بیش از یک سوم دارائی‌اش نهی کرده است. وی بر واقعی بودن این خاطره تأکید دارد (اسپیت، ۱۳۹۴ش، ۱۸۸).

۲. موانع اجتماعی و فرهنگی کتابت حدیث

بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که کارکرد نگارش و کتابت در بافت اجتماعی و فرهنگی مکه و مدینه محدود به اسناد، دیون و تعهد نامه‌ها بود؛ به طوری که جواد علی «التکاتب و المکاتبه» را عقدی شناخته شده در جاهلیت می‌داند که بر اساس آن بنده به ازای پرداخت مبلغ معینی آزاد می‌شد (علی، بی تا، ۱۴: ۱۵۴). همچنین از کاربردهای ریشه «ک ت ب» در قرآن می‌توان به مسئله آزادسازی بندگان (النور: ۳۳) و نگارش دیون (البقره: ۲۸۲) اشاره نمود. مواردی هم از کتابت برای اعطای مالکیت زمین در بعضی از وقدها از طرف رسول خدا (ص) در طبقات ابن سعد وجود دارد^۲ (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ۱: ۳۰۲). سنت آموزشی عرب، روشی مبتنی بر آموزش سینه به سینه و انسان محور (دهقان و همکاران، ۱۳۹۷ش، ۹) بود. در انسان محوری دانش از تجربه زیست انسانی نشأت می‌گیرد. این شیوه آموزشی با استفاده از ضرب المثل‌ها، کلمات قصار و

رویکردی حدیثی - تحلیلی و کتاب «زواج المتعه» جعفر مرتضی عاملی (م ۱۳۸۶ش) اشاره کرد. همچنین از آثار اهل سنت در تحریم و یا رد متعه کتاب «تحریم المتعه» ابن قیم جوزیه (م ۷۵۱ق) با رویکردی حدیثی و اجتماعی، کتاب «الرد علی الرافضه فی جواز المتعه» ابن تیمیه (م ۷۲۸ق)، کتاب «حکم المتعه فی الاسلام» محمد ناصرالدین البانی (م ۱۹۹۹م)، کتاب «نکاح المتعه بین الاباحه و التحریم» وهبه الزحیلی (م ۲۰۱۵م) رویکردی فقهی - تاریخی و کتاب «المتعه فی الاسلام» علی السالوس (در قید حیات) قابل ذکر است.

1. R. Marston Speight.

۲. «وَقَدْ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) الرَّقَادُ بْنُ عَمْرِو بْنِ رَبِيعَةَ بْنِ جَعْدَةَ بْنِ كَعْبٍ وَأَعْطَاهُ رَسُول (ص) بِالْفُلُجِ ضَمِيمَةً وَكَتَبَ لَهُ كِتَابًا وَهُوَ عِنْدَهُمْ».

اشعار در صدد حفظ و انتقال مهارت‌های مفید می‌باشد (همان، ۱۰). نگارش کارکردی در راستای توسعه و حفظ دانش نداشته و توجه به دانش‌های عقلی و انتزاعی بسیار محدود است. دانش صرفاً بر چیزی حمل می‌شد که در بافت اجتماعی و جغرافیای حجاز دارای منفعتی برای بقای انسان و نظم قبیله‌ای داشته باشد. همانند این که افراد آگاه به نسب‌ها «علامه و علام» (علی، بی‌تا، ۱۵: ۳۱۲) و کسانی که توانایی نگارش اسناد و تعهدنامه‌ها را داشتند «عالم» نامیده می‌شدند (همان، ۳۱۴). همچنین پژوهش‌های شوقی ضیف کتابت اشعار در عصر جاهلی و آویزان نمودن آن‌ها در کعبه تحت عنوان «معلقات سبعة»^۱ را بسیار غیر محتمل دانسته است (نک: ضیف، ۱۳۹۳ ش). دسترسی به نوشت افزار در حجاز سخت و گران بود؛ از همین جهت برای استفاده مجدد از صحیفه‌ها، نوشته قبلی را با آب شستشو می‌دادند (علی، بی‌تا، ۱۰: ۲۸۴). همچنین روایاتی که بیان‌گر کتابت بعضی از آیات قرآن بر روی ادواتی چون عُسب، لِخاف، رُقاع، اضلاع می‌باشد؛ موید صعوبت نگارش است (بخاری، ۱۴۲۲ق، ۶: ۷۱). استفاده از نگارش مربوط به حدود ۵۰ سال قبل از بعثت رسول‌الله (ص) در مکه و تحت تاثیر رواج تجارت در میان قریش و نیاز به کتابت تعهدات و اسناد تجاری قرار داشته است^۲ (علی، بی‌تا، ۷: ۲۷۹).

محدودیت‌های خط عربی همچون فقدان نقطه در کتابت حروف مشابهی چون «ب»، «ت»، «ث» ... و عدم تکامل آن^۳ (حیدری‌نژاد و جان‌احمدی، ۱۳۹۸ ش، ۵۶)، گرانی و نایابی ادوات نگارش، سنت آموزشی سینه به سینه و شیوه تبلیغی رسول خدا (ص) حدیث پژوهان را با پرسش‌هایی حول چگونگی شیوه انتقال حدیث روبرو کرده است.

۱-۲. قرآن محوری در سبک تبلیغی رسول خدا (ص)

سبک تبلیغی رسول خدا (ص) بر اساس الگوی آموزشی انسان‌محور بود. رسول خدا (ص) در مدینه در حال زندگی کردن با مردم بود. در واقع رسول خدا (ص) برای تبلیغ و تربیت، مجلس درس تشکیل نمی‌داد؛ که شاگردان و یا صحابه با دفتر و قلم حاضر شوند. رسول

۱. بر حسب نظر شوقی ضیف «معلقات» به گفته‌ی جاحظ به معنای «مقلدات» یا «مسمطات» به معنای گردنبندها بوده است. ابن النحاس افسانه‌ی مورد بحث را با این عبارت نفی کرده است: «این که در افواه مشهور است که آن اشعار بر کعبه آویخته بوده، ثابت و صحیح نیست».

۲. با مسدودسازی راه تجاری ابریشم توسط انوشیروان پادشاه ایران، یزانیس در صدد بهره‌گیری از راه بری کناره دریای سرخ برای تجارت و رساندن کالا از جنوب به شمال برآمد. در این زمان است که اهتمام به کتابت برای امورات تجار میان قریش رواج می‌یابد.

۳. خط عربی وام دار خط‌های آرامی، پهلوی، سریانی، نبطی و حمیری است.

خدا (ص) با مردم زندگی می کردند، غذا می خوردند، به مسجد و جنگ می رفتند؛ روابط دوستانه و خانوادگی برقرار می کردند؛ و در این میان به ابلاغ آیات الهی و تربیت نیز اهتمام داشتند (پاکتچی، ۱۳۹۰ ش، ۲۰۷). در این جامعه فرهنگ نگارش دانش و سخنان افراد وجود نداشت^۱ (همان، ۲۰۳). محوریت سبک تبلیغی رسول خدا (ص) بر حفظ و قرائت قرآن قرار داشت؛ به صورتی که ایشان بعد از نزول وحی به آموزش قرآن به صورت ده آیه ده آیه به اصحاب اقدام می کردند (ذهبی، ۱۳۹۸ ق، ۱: ۴۱).

در مواردی قاریان و کاتبان را صدا زده و آیات قرآن را بر آن ها قرائت و تبیین می کردند^۲ (بخاری، ۱۴۲۲ ق، ۴: ۲۴) و در نهایت برای تبلیغ و ترویج اسلام قاریان را به شهرها و قبیله ها اعزام می کردند. از نمونه های آن می توان به اعزام مُصعب بن عُمیر (م ۳ق) به مدینه قبل از هجرت، مُعاذ بن جبل خزرجی (م ۱۸ق) به مکه بعد از فتح آن (زرقانی، بی تا، ۱: ۲۴۲)، ابوعبیده جراح (م ۱۸ق) به یمن (ابن سعد، ۱۹۶۸ م، ۳: ۴۱۱)، عمرو بن حزم انصاری خزرجی (م ۵۴ق) به نجران (همان، ۱: ۲۶۴) اشاره کرد. همچنین در وفدها درخواست قبایل مبنی بر اعزام قاری قرآن قرار داشت. به صورتی که قبیله عَضَل و القاره از رسول خدا (ص) درخواست می کنند تا شخصی را برای تعلیم دین و قرآن «یفقهوننا فی الدین و یقروونا القرآن» (طبری، ۱۳۸۷ ق، ۲: ۵۳۸) اعزام نماید.

بر این اساس می توان به راحتی محوریت قرآن را در روش تبلیغی رسول خدا (ص) دریافت نمود. از اخباری که به صورت غیر مستقیم گزارش هایی را از شیوه و سبک تبلیغی رسول خدا (ص) ارائه می دهند؛ شواهدی از تاکید بر سخنان ایشان به عنوان حدیث در عصر نبوی یافت نمی شود. به گونه ای که اکثر آموزش های رسول خدا (ص) در مدینه با محوریت قرآن و فهم آن بود؛ و الزامی برای ثبت و ضبط سخن رسول الله (ص)، در تبلیغ و ترویج اسلام وجود نداشت. در خبری از عباده بن صامت (م ۳۴ق) آمده است هرگاه شخصی وارد مدینه می شد؛ رسول خدا (ص) وی را به یکی از قاریان می سپرد؛ تا قرآن به وی آموزش داده شود^۳ (ابن حنبل، ۱۴۲۱ ق، ۳۷: ۴۲۶).

در واقع کتابت در عصر نبوی امر رایجی نبود؛ و صرفاً محدود به تعهدات و دیون بود. همچنان که ادوات نگارش در دسترس نبود و تعداد افراد با سواد کم بود. عرب اشعار (نک: ضیف، ۱۳۹۳ ش)، خطبه ها (نک: رودگر و عالم زاده، ۱۳۹۴ ش)، «انساب»

۱. البته گزارش هایی در کتابت و نگارش سخنان رسول خدا (ص) توسط علی بن ابی طالب (ع) وجود دارد؛ ولیکن این مسئله در میان صحابه عمومیت ندارد.

۲. «لَمَّا نَزَلَتْ «لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ» دَعَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) زَيْدًا، فَجَاءَ بِكَيْفٍ فَكَتَبَهَا».

۳. «كَانَ الرَّجُلُ إِذَا هَاجَرَ دَفَعَهُ النَّبِيُّ (ص) إِلَى رَجُلٍ مِّنَّا يُعَلِّمُهُ الْقُرْآنَ».

(نک: نجفی، ۱۳۸۲ش)، «ایام العرب» (نک: سجادی، ۱۳۹۹ش)، القیافه^۱ (علی، بی‌تا، ۱۲: ۳۵۰)، «الأنواء» (همان، ۱۶: ۶۵) و قس علی هذا را نوشتنی نمی‌دانست (نک: شولر، ۱۳۹۳ش). بافت تاریخی عصر نبوی با کتابت حدیث همخوانی ندارد. در نهایت پژوهش‌های شولر^۲ و شیوه تاریخ‌گذاری وی از احادیث توانست اثبات نماید که احادیث توصیه و یا منع کتابت در بافت اجتماعی اواخر سده اول و سده دوم بوجود آمده است (نک: شولر، ۱۳۹۳ش، ۲۰۰-۲۵۰). اگر بتوان نگارش حدیث را به صورت موردی و محدود پذیرفت؛ این امر بیشتر مربوط به دوران خلفای چهارگانه و سکان‌داری صغار صحابه، تابعین و اتباع آن‌ها می‌باشد (از سال ۱۱ق). این پژوهش در صدد اثبات عدم نگارش احادیث در عصر نبوی نیست. حتی با پذیرش نگارش محدود احادیث در عصر نبوی؛ سوال اصلی پژوهش مبنی بر چگونگی انتقال احادیث در این حجم وسیع به قوت خود باقی است.

۳. خاطرات صحابه از رسول خدا (ص)

بر اساس مباحثی که گذشت بافت اجتماعی و فرهنگی حجاز برای نگارش؛ و به ویژه کتابت احادیث مساعد نبود. برخی از پژوهشگران در مواجهه با این پدیده شیوه انتقال احادیث از عصر نبوی به دوره صحابه و تابعان را بیان خاطرات رسول خدا (ص) تحت عنوان احادیث می‌دانند (پاکتچی، ۱۳۹۰ش، ۲۴؛ Motzki, 2010, 46).

خاطره حدیثی، یادآوری و یا بازآفرینی رفتار و یا فعلی از رسول (ص) است؛ که به عنوان یک خاطره در مغز و حافظه شاهدان نقش بسته است. مغز این خاطره را در چهارچوب یک تصویر و موقعیت اجتماعی ذخیره نموده است؛ نه در چهارچوب یک کلام. در واقع در خاطره حدیثی راوی و مخاطب در حال تبادل یک تصویر از زندگی رسول (ص) با یکدیگر هستند، به گونه‌ای که در موقعیت‌های اجتماعی اکنون، در چهارچوب الفاظ، یادآوری و به رسول (ص) منتسب می‌شود (پاکتچی، ۱۳۹۴ش، ۱۴۴). دانش عصب روانشناسی خاطرات و تجارب ذخیره شده در ذهن را شامل مولفه‌های دیداری، شنیداری، بویایی، چشائی، لامسه و حرکتی می‌داند (ویجینگارت، ۱۴۰۲ش، ۳۴). در عین حال که پژوهشگران حافظه بر تاثیر بیشتر تجربه‌های دیداری تاکید دارند (Kosslyn, 1994).

۱. «القیافه: یُقصدُ به التَّبَوُّ والإخبار عَنْ شَیْءٍ بِتَّبَعِ الأثرِ والشَّبهِ وَتَدْخُلُ فِي ذَلِكَ قِیَافَةُ آثارِ الأقدامِ والأخفافِ والحَوَافِرِ لِلاِسْتِدْلَالِ بِهَا عَلَى أَصْحَابِهَا، وَتَعْيِینُ النَّسَبِ فِي حَالَةِ السَّلَکِ فِيهِ».

2. Gregor Schoeler.

بسیاری از مواد تاریخی، ماندگاری خود را مدیون حافظه تصویری و خاطرات هستند؛ سیره نیز تقدس و ماندگاری خود را، وام‌دار خاطرات و تصویرسازی از زندگی رسول (ص) است. تصویرسازی و بازنمایی رفتار و عمل ایشان در یک موقعیت اجتماعی، تاثیرگذاری سیره را نسبت به سبک‌های نگارشی دیگر دوچندان کرده است. روایت خاطره - در چهارچوب نقل به معنا- در واقع پل ارتباطی بین یادآوری خاطرات و نیازمندی‌های اجتماعی جدید می‌باشد؛ خاطراتی که به گونه‌ای بازآفرینی گذشته بر اساس دغدغه‌های کنونی است (نک: کوزر، ۱۴۰۲ش). در فرآیند بازآفرینی، خاطره دستخوش تغییرات عمدی و غیر عمدی زیادی همانند حذف، تغییر، حاشیه‌رانی و برجسته‌سازی^۱ عناصر و مواد روایت خواهد شد. در نقل به معنا نیز تا اندازه خیلی زیادی شاهد بازسازی احساسات، شنیده‌ها و مشاهدات بر اساس گفتمان^۲، کلمات و واژگان رایج آن عصر؛ و نیازهای کنونی هستیم.

ابزار خاطره، حافظه است. در جوامع دارای سنت آموزشی شفاهی^۳ حافظه قومی^۴ از اهمیت مطلق و بلامنازع برخوردار است (کنوبلاخ، ۱۴۰۰ش، ۴۵۵). در این‌گونه جوامع انتقال تجربیات و مهارت‌های مفید صرفاً از طریق حافظه انجام می‌شود. بافت اجتماعی عرب در صدر اسلام مبتنی بر این‌گونه جوامع است. در این ساختار اجتماعی، حشر و نشر صحابه با پیامبر اسلام (ص) در زندگی روزمره، سختی‌های دعوت، شکنجه‌ها، هجرت، ساخت مسجد، نمازهای جماعت، ماه رمضان، جنگ‌ها، تقسیم غنائم، ملاقات‌های خصوصی و عمومی، روابط دوستانه و خانوادگی؛ رویدادهایی چون مباحله، بیعت شجره، حجه الوداع و ... سبب شکل‌گیری خاطرات مختلفی از ایشان در حافظه و ذهن صحابه می‌شد.

۳-۱. نگرش صحابه به رسول خدا (ص)

صحابه در همزیستی و مصاحبت با رسول (ص) فاقد این خودآگاهی بودند که بعد از فوت، سخنان و خاطرات ایشان ارزشمند خواهد شد (پاکتچی، ۱۳۹۷ش، ۲۰۹) و از آن‌جا که در زمان حضور رسول (ص)، ایشان مرجع تشریع احکام و حل و فصل اختلافات بود؛

1. Agenda-setting theory.

۲. گفتمان (Discours) نوعی قرارداد اجتماعی نانوشته است که بسترهای ارتباطی را فراهم می‌نماید. در واقع معانی و مفاهیم نه از زبان گفتاری بلکه از درون ارتباطات اجتماعی و سیاسی افراد با یکدیگر حاصل می‌شود.

۳. جوامعی که خط ندارند و کتابت مرسوم نیست.

4. Ethnic Memory.

انگیزه‌ای در نگارش سخنان ایشان وجود نداشت. از طرف دیگر مسلمانان از فرمانبرداری کامل نسبت به رسول (ص) برخوردار نبودند. از همین جهت است که آیات متعددی پیروی از رسول (ص) را هم سنگ اطاعت از «الله» تبیین می‌نماید (الانفال: ۲۴؛ المجادله: ۱۳). آیاتی هم عدم پیروی از ایشان را سبب بطلان اعمال توصیف می‌کند (محمد: ۳۳). تمکین و تبعیت انصار از رسول خدا (ص) بیشتر از مهاجران بود. مهاجران به دلیل رقابت‌های قبیله‌ای، پیروی از رسول (ص) برایشان سخت بود و نمی‌خواستند سروری ایشان را بپذیرند (نولدکه، ۲۰۰۰م، ۱۵۰، ۱۵۱).

از همین رو قریش عبدالله بن عمرو بن عاص را از نگارش سخنان پیامبر اسلام^۱ نهی می‌کردند (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱ق، ۱۱: ۵۷). همچنان که انصار هم در موارد زیادی به فرمان و حکم ایشان همانند تقسیم غنایم در جنگ‌های بدر، حنین (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ۲: ۱۵۴)، بنی‌نضیر (ابن هشام، بی‌تا، ۲: ۱۹۲) و ... اعتراض داشتند. در واقع مسلمانان عصر نبوی برای کتابت حدیث، نه از آینده‌نگری لازم و نه از نگرشی قدسی به پیامبر اسلام در راستای اطاعت و ارزشمند دانستن سخنان ایشان برخوردار بودند^۲. همچنان که گروهی از به ظاهر مسلمانان از مهاجران و انصار جزو منافقان بودند (المنافقون: ۶۳؛ التوبه: ۵۶، ۵۸، ۷۴؛ البقره: ۸، ۱۴).

از این افراد می‌توان به طلقاء از مهاجران و گروهی از انصار که با حضور رسول (ص) در مدینه برتری خود را از دست داده بودند؛ اشاره کرد. بهره‌مندی کمتر از غنایم در جنگ‌ها، با سیاست‌هایی چون اعطای اموال بیشتر به مهاجران به سبب فقرشان در مدینه و تشریع «خمس» به جای «الْمَرْبَاع»^۳ (علی، ۱۴۲۲ق، ۹: ۲۶۵) به صورتی که یک چهارم غنیمت را در اختیار رئیس قبیله قرار می‌داد (واقعی، ۱۴۰۹ق، ۱: ۱۷)، سبب نارضایتی انصار را فراهم کرده بود. در عین حال که سبک تبلیغی رسول خدا (ص)، همان‌طور که گذشت بر قرآن محوری قرار داشت.

بعد از رسول (ص) و تحت تاثیر تحولات اجتماعی مختلف از جمله فتوحات، ورود اقوام دیگر به جامعه اسلامی؛ صحابه در جایگاه تنها مرجع صلاحیت‌دار حل مسائل اجتماعی قرار گرفتند (خواجه‌ی، ۱۴۰۲ش، ۳۱۴). در فرآیند تحولات فرهنگی و مواجهه با مسائل اجتماعی، خاطراتی از رسول (ص) توسط صحابه برای حل مشکلات بیان می‌شد

۱. «وَرَسُولُ اللَّهِ بَشَرٌ، يَتَكَلَّمُ فِي الْغَضَبِ وَالرِّضَا».

۲. مسلماً تعدادی از صحابه از اخلاص و نگرشی قدسی به رسول (ص) برخوردار بودند؛ و بیان این مقال ناظر به جریان غالب است.

۳. «رُبْعُ الْغَنِيمَةِ الَّذِي كَانَ يَأْخُذُهُ الرَّئِيسُ فِي الْجَاهِلِيَّةِ».

(پاکتچی، ۱۳۹۰ ش، ۲۱۰). گاهی هم بازآفرینی خاطرات در راستای حل مشکل خاصی نبود و کارکردی در راستای تعلق خاطر به پیامبر، ایجاد هویت^۱ اسلامی، تقدیس و ترسیم شخصیتی فرا انسانی از ایشان قرار داشت (نک: بختیاری و حضرتی، ۱۴۰۲ ش). همانند این که یکی از صحابه در زمان غذا، شیوه تناول پیامبر را یادآوری و برای حاضران شرح می داد^۲ (عسقلانی، ۱۹۷۱ م، ۲: ۲۲). البته یادآوری خاطرات صرفاً مربوط به اعمال و رفتار نبود؛ و سخنان ایشان هم یادآوری می شد. این فرآیند برای کسانی که رسول (ص) را ندیده بودند به خصوص در میان تابعان بسیار جالب و جذاب بود. در این حالت تابعان این خاطره را تحت عنوان یک حدیث و یا سنت نبوی تلقی می کردند (پاکتچی، ۱۳۹۰ ش، ۲۰۷).

۳-۲. نقل به معنا

در یادآوری خاطرات صحابه از رسول (ص) پدیده نقل به معنا و تقطیع^۳ پا در میانی می کند. در کتاب «الکفایه فی علم الروایه» خطیب بغدادی گزارش هایی از نقل به معنای محدثان وجود دارد. نقل به معنا در حدیث عبارت است از نقل محتوا و مضمون یک روایت با واژگان، قالب و یا ساختاری متفاوت (دلبری، ۱۳۸۹ ش، ۶۲) و متناسب با موقعیت اکنون و گفتمان های عصری. در این فرآیند ناقل درصدد بیان برداشت خویش از کلام رسول (ص) بر اساس اکنون می باشد (پاکتچی، ۱۳۹۴ ش، ۱۲۹).

از جهت تاریخی، سنت آموزشی انسان محور در صدر اسلام، عدم کتابت حدیث در عصر نبوی (معارف، ۱۳۹۳ ش، ۱۵۰) و انگاره صحابه در تفهیمی دانستن سخنان رسول (ص) (همان، ۱۳۱)، زمینه های سلطه کامل گفتمان نقل به معنا در حدیث را تا پایان سده اول فراهم نمود. تحولات زبانی در یک بازه زمانی حداقل ۳۰ ساله از فوت رسول خدا (ص) تا عصر تابعین، بسیاری از واژگان عصر نبوی را برای مخاطبان غیر قابل فهم کرده بود (همان، ۱۶۰). لذا محدثان در راستای انتقال معنای اصلی کلام مجبور به استفاده از واژگان مترادف رایج در عصر مخاطبان بودند؛ به گونه ای که اکثر محدثان مدعی انتساب الفاظ تمامی احادیث به رسول (ص) نبودند (معارف، ۱۳۹۳ ش، ۱۵۲).

1. Identity.

۲. «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ يَحْمَدُ اللَّهَ بَيْنَ كُلِّ لُقْمَتَيْنِ».

۳. منظور از تقطیع، جدا کردن قسمتی از حدیث؛ و آوردن آن به عنوان یک حدیث مستقل در یک باب از کتاب (مهدوی راد و همکاران، ۱۳۸۹ ش، ۱۳۴) و یا آوردن بخشی از حدیث متناسب با نیاز می باشد (میرداماد، ۱۴۲۲ ق، ۱: ۱۶۲).

نقل به معنا را می‌توان هم ارز یادآوری خاطرات صحابه از رسول دانست. گاهی خاطره توصیف رفتار رسول (ص)، زمانی یک واقعه؛ و در مواردی هم کلام رسول (ص) در چهارچوب یک تصویر از یک رویداد اجتماعی بود. بدیهی است ناقل در حال بیان خاطره با فهم، نگرش، شخصیت، چهارچوب ذهنی و وابستگی قومی خود؛ زبان، لغات و لحن جامعه می‌باشد. در واقع دو عامل ذهنیت فردی و فرهنگ در نقل به معنا در چهارچوب خاطرات تاثیرگذار است. ذهنیت فردی چیزی است که از دانش، ضمیر ناخودآگاه^۱، تجربیات شخصی، خانواده و پیشه نشات می‌گیرد؛ و فرهنگ اندیشه‌ها، هنجارها، رفتارها و نگرش‌های رایج و مقبول در بین اعضای جامعه می‌باشد (Tylor, 1871, 167).

این هنجارها شامل زبان و لغات هم می‌شود. شکل‌گیری خاطرات و یادآوری آن بدون واژگان و تصورات مقبول نهاد اجتماعی غیر ممکن است (کنوبلاخ، ۱۴۰۰ش، ۴۵۱). در عین حال موقعیتی که سبب یادآوری خاطره شده، مخاطب، زمان، مکان، جغرافیا و کاربرد اجتماعی خاطره از جهت دیگر، روایتی منحصر به فرد از خاطره را در چهارچوب نقل به معنا ارائه می‌دهد. در واقع نقل به معنا در بستر نقل شفاهی، مضامین مختلفی چون اشعار، «ایام‌العرب»، «الانساب»، «الامثال»؛ انعطاف‌پذیری خوبی را برای حذف و اضافه کردن مضامین، جانب‌داری و تغییر روایت در اختیار ناقل قرار می‌دهد (شولر، ۱۳۹۳ش، ۲۲۰). حتی در جریان آیات قرآن هم نقل به معنا در خصوص بعضی از کلمات قرآن پذیرفته شده بود (نک: نجفی، ۱۴۰۱ش). بر این اساس ابن‌مسعود بیان می‌کرد خطا این نیست که «غفور الرحیم» را «عزیز الحکیم» بخوانیم؛ خطا آن است که آیه عذاب به رحمت و آیه رحمت به عذاب تبدیل شود (بیهقی، ۱۴۲۴ق، ۲: ۵۳۷).

۴. نمونه موردی: حدیث نهی از نکاح متعه

حدیث منع نکاح متعه، خاطره حدیثی است که راوی با یادآوری خاطره خود، در حال شرح نهی و تحریم متعه زنان توسط رسول خدا (ص) در سال ۸ قمری در فتح مکه در کتب حدیثی اهل سنت است^۲. از عوارضی که حین فرآیند یادآوری این خاطره از رسول (ص) پدیدار شده؛ می‌توان به نقل به معنا و تقطیع اشاره کرد. ربیع جُهَنی تابعی (م ۱۱۱ق یا ۱۲۰ق) این خاطره را از پدر خود سَبْرَة بن معبد^۳ صحابی در جواز ازدواج موقت و سپس

1. Unconscious.

۲. برای تحلیل محتوای احادیث متعه نزد شیعه به مقاله «تحلیل محتوای روایات متعه در منابع حدیثی شیعه» (موسوی و همکاران، ۱۴۰۱ش) مراجعه شود.

۳. اطلاعات زیادی از وی در دست نیست. کنیه سبزه ابوربیع و یا ابو ثریه بود. وی در مدینه (جُهَنه) ساکن، و در زمره صحابه رسول خدا (ص) قرار داشت. فرزندش ربیع ناقل احادیث پدر بود. گروهی از

نهی آن از جانب رسول (ص) نقل کرده است. کارکرد اجتماعی تحریرهای مختلف این حدیث در راستای متقاعدسازی مخاطب بر تحریم متعه توسط رسول (ص) بعد از فوت ایشان در سده اول می‌باشد. در این بخش، وقوع نقل به معنا و تقطیع آن در چهار تحریر متفاوت بررسی خواهد شد.

۴-۱. تحریرهای خاطره حدیثی

از میان ۱۲ تحریر مختلف حدیث سیره در نهی متعه، چهار تحریر از این خاطره حدیثی بر اساس معیارهای ذیل انتخاب شده است:

- * زمان رویداد فتح مکه باشد.
- * تحریرها نسبت به هم مزید باشند.
- * حتی‌الامکان تحریرها از منابع متقدم‌تر باشد.
- * شامل مفصل‌ترین و مختصرترین تحریرها باشد.
- * ترسیم سیر تطور امکان‌پذیر باشد.
- * تحریرها حاوی عناصر داستانی باشد.

تحریر ۱: «حَدَّثَنَا الرَّيِّعُ بْنُ سَبْرَةَ، أَنَّ أَبَاهُ غَزَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَامَ فَتْحِ مَكَّةَ فَأَقَامَ بِهَا خَمْسًا وَثَلَاثِينَ يَوْمًا وَقَالَ: «فَإِذْ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي مُتْعَةِ النِّسَاءِ، فَخَرَجْتُ أَنَا وَرَجُلٌ مِنْ قَوْمِي وَلِيَ عَلَيْهِ فَضْلٌ فِي الْجَمَالِ، وَهُوَ قَرِيبٌ مِنَ الدَّمَامَةِ، مَعَ كُلِّ وَاحِدٍ مِنَّا بُرْدٌ، أَمَا بُرْدِي فَخَلَقْتُ، وَأَمَا بُرْدُ ابْنِ عَمِّي فَبُرْدٌ جَدِيدٌ غَضٌّ، حَتَّى إِذَا كُنَّا بِأَسْفَلِ مَكَّةَ أَوْ بِأَعْلَاهَا فَتَلَقَّيْنَا فَتَاةً مِثْلَ الْبَكْرَةِ الْعَنْطَنِطَةِ فَقُلْنَا: هَلْ لَكَ أَنْ يَسْتَمْتَعَ مِنْكَ أَحَدُنَا؟ قَالَتْ: وَمَا تَبْدُلَانِ؟ قَالَ: فَنَشَرُ كُلُّ مِنَّا بُرْدَهُ فَجَعَلَتْ تَنْظُرُ إِلَى الرَّجُلَيْنِ فَإِذَا رَأَاهَا صَاحِبِي تَنْظُرُ إِلَى عِطْفِهَا وَقَالَ: إِنَّ بُرْدَ هَذَا خَلَقْتُ مَحٌّ وَبُرْدِي هَذَا جَدِيدٌ غَضٌّ، فَتَقُولُ: وَبُرْدُ هَذَا لَا بَأْسَ بِهِ، ثَلَاثَ مَرَّاتٍ أَوْ مَرَّتَيْنِ، ثُمَّ اسْتَمْتَعْتُ مِنْهَا، فَلَمْ نَخْرُجْ حَتَّى حَرَّمَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» (بيهقي، ۱۴۲۴ق، ۷: ۳۲۹).

عناصر تحریر ۱: اجازه متعه، حرمت متعه، فتح مکه، ۱۵ شبانه روز، دومرد طالب متعه، زیبایی یکی از مردها، زن جوان، برد (لباس)، مهریه (ماتبدلان)، استمتاع، تحریم متعه.

تابعین از جمله زهری از ربیع حدیث نقل کرده‌اند. احادیث ربیع به بعضی از کتب شش‌گانه اهل سنت در نهی متعه راه پیدا کرده است.

تحریر ۲: «أَذِنَ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْمُتْعَةِ عَامَ الْفَتْحِ، فَأَنْطَلَقْتُ أَنَا وَرَجُلٌ إِلَى امْرَأَةٍ شَابَةٍ كَانَتْهَا بَكْرَةٌ عَيْطَاءُ نَتَمَتَّعُ، فَجَلَسْنَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَعَلَيَّ بُرْدٌ وَعَلَيْهِ بُرْدَةٌ، فَكَلَّمْنَاهَا وَمَهَرْنَاَهَا بُرْدَتَنَا، وَكُنْتُ أَشَبَّ مِنْهُ، وَكَانَ بُرْدُهُ أَجْوَدَ مِنْ بُرْدِي، فَجَعَلْتُ تَنْظُرُ إِلَى بُرْدِهِ مَرَّةً، وَإِلَى بُرْدِي مَرَّةً، ثُمَّ قِيلَتْنِي، فَكَحَّحْتُهَا، فَلَبِثْتُ مَعَهَا ثَلَاثًا، ثُمَّ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَهَى عَنْهَا، فَفَارَقْتُهَا. أَوْ نَحْوَ هَذَا» (سعيد بن منصور، ۱۴۰۳ق، ۱: ۲۵۱).

عناصر تحریر ۲: اجازه متعه، نهی متعه، فتح مکه، دومرد طالب متعه، زن جوان، برد، مهریه، جوانی مرد، قبول نکاح، سه روز و نهی متعه.

تحریر ۳: «أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْمُتْعَةِ عَامَ الْفَتْحِ، حِينَ دَخَلْنَا مَكَّةَ، ثُمَّ لَمْ نَخْرُجْ مِنْهَا حَتَّى نَهَانَا عَنْهَا» (مسلم بن حجاج، بی تا. ۲: ۱۰۲۵).

عناصر تحریر ۳: امر به متعه، فتح مکه و نهی متعه.

تحریر ۴: «نَهَى يَوْمَ الْفَتْحِ عَنِ مُتْعَةِ النِّسَاءِ» (ابن ابی شیبہ، ۱۴۰۹ق، ۳: ۵۵۱).

عناصر تحریر ۴: نهی متعه (بدون امر به آن)، فتح مکه.

عناصر تحریرهای مختلف حدیث نهی متعه نکاح											
تحریر ۱	اذن	تحریم	عام فتح مکه	۱۵ شبانه روز	انا و رجل	فتاه مثل البکره العنطنطه	بُرد جدید	ما تبدلان	«جمال» زیبایی مرد	استمتاع	-
تحریر ۲	اذن	نهی	عام الفتح	-	انا و رجل	امراه شابه کانه بکره عیطاء	بُرد اجود	مهر	«شباب» جوانی مرد	قبول نکاح	۳روز
تحریر ۳	امر	نهی	عام الفتح	-	-	-	-	-	-	-	-
تحریر ۴	-	نهی	يوم الفتح	-	-	-	-	-	-	-	-

۴-۲. سیر تطور تحریرها

در سیر تطور تحریرهای این خاطره حدیثی با نقل به معنا و تقطیع روبرو می‌شویم. در ارزیابی چهار تحریر مختلف این حدیث دو فرض قابل تصور است. اول این‌که در یک تطور تلخیصی تحریر ۱ به تحریر ۴ تبدیل شده است. معمولاً در فرآیند خلاصه‌سازی روایت‌ها نقل به معنا به وقوع می‌پیوندد (شریفی و کریمی، ۱۴۰۰ ش، ۱۹۰). فرآیندی که در آن تلخیص روایت و نقل به معنا منجر به حذف بعضی از عناصر روایت شده است. در فرض دوم می‌توان سیر تطور تحریرها از تحریر ۴ به تحریر ۱ را در یک فرآیند تفصیلی با بهره‌گیری از إدراج عناصر داستانی و تجمیع موضوعی و یا ترکیب احادیث مختلف دانست. ادراج به فرآیندی اطلاق می‌شود که عناصر و یا واژگانی، چه به صورت عمدی و چه غیرعمدی به روایت افزوده می‌شود (ذهبی، ۱۴۱۲ ق، ۵۴).

در مواردی روایان، احادیث با موضوع یکسان را تحت عنوان الگوی «تجمیع موضوعی» با یکدیگر ترکیب می‌کردند (قندهاری و راد، ۱۳۹۹ ش، ۸۱). یکی از راه‌های شناسایی ادراج در روایات و تجمیع موضوعی، مقایسه تحریرهای مختلف یک روایت است (دلبری، ۱۳۹۲ ش، ۴۲). تحریرهای مختلف روایت، در صدد بیان نهی متعه زنان و اعلام نسخ حلیت متعه است. قرار است مخاطب در حین استماع یک خاطره حدیثی حکم جواز متعه و نسخ آن را در جریان یک رویداد تاریخی - فتح مکه - دریافت نماید.

۴-۲-۱. هم‌ارزی واژه‌ها

در مقایسه تحریرهای مختلف این خاطره حدیثی در مواردی از واژگان هم‌ارز و یا هم‌معنا (پاکتچی، ۱۳۹۴ ش، ۱۴۹) استفاده شده است. واژه‌های «نهی»، «إمراه شابه کانه‌ها بکره عیطاء»، «برد أجود»، «مهر»، «شباب» و «نکاح» در تحریر ۲ جایگزین واژه‌های «تحريم»، «فتاه مثل البکره العنطنة»، «برد جدید»، «ماتبدالان»، «جمال» و «استمتاع» در تحریر ۱ شده است.

۴-۲-۲. واژگان نهی و تحريم

در بررسی ۱۲ تحریر حدیث متعه سبزه در ۱۰ حدیث از «نهی» و صرفاً در دو تحریر از ریشه «ح ر م» استفاده شده است. «نهی» شامل هر گونه ممنوعیتی می‌تواند باشد (ابن‌فارس، ۱۳۹۹ ق، ۵: ۳۵۹)؛ در صورتی که «تحريم» از تاکید بیشتری نسبت به نهی برخوردار است و اختصاص به ممنوعیت شرعی دارد (همان، ۲: ۴۵). از نشانه‌های این

تبیین می‌توان به جاری و ساری بودن متعه زنان تا زمان خلیفه دوم^۱ و نهی وی اشاره کرد: «مُتَعَتَانِ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ أَنَا أَنَهَى عَنْهُمَا وَأَعَاقَبُ عَلَيْهِمَا مُتَعَةُ النِّسَاءِ وَ مُتَعَةُ الْحَجِّ». همچنین آرای فقهای متقدم چون قاضی ابویوسف (م ۱۸۲ق) و شافعی (م ۲۰۴ق) بر این اساس بود که در نهی و منع پدیده‌هایی که در قرآن بر آن تصریح نشده است از استعمال «حرمت» پرهیز شود (قاضی ابویوسف، بی‌تا، ۱: ۷۲؛ مالک بن انس، ۱۴۲۵ق، ۱: ۲۵۸). لذا به نظر می‌رسد استعمال «تحریم» به جای «نهی» رویکردی متاخر در راستای کارکرد اجتماعی و حکومتی ممنوعیت متعه زنان باشد.

۴-۲-۳. عنصر فَتَحِ مکه

در تحریر ۱ به نظر می‌رسد عبارت «عام فَتَحِ مکه» از روایتی متقدم‌تر نسبت به «عام الفتح» در تحریرهای ۲، ۳ و ۴ باقی مانده باشد. به صورتی که با ارزیابی منابعی چون تفسیر مقاتل بن سلیمان (م ۱۵۰ق)، «الرد علی سیر الازواعی» قاضی ابویوسف (م ۱۸۲ق) عبارت «عام الفتح» وجود ندارد. همچنین در «الموطأ» مالک (م ۱۷۹ق)، «المصنف» عبدالرزاق صنعانی (م ۲۱۱ق) و «المصنف» ابن ابی شیبہ (م ۲۳۵ق) در کنار عبارت «عام الفتح»، عبارت‌های دیگری همانند «يوم الفتح»، «يوم فتح مکه» و «عام فتح مکه» نیز به کار رفته است. به طوری که در آن زمان هنوز سال فتح مکه به «عام الفتح» شهره نشده بود. این‌که دقیقا از چه زمانی سال فتح مکه به «عام الفتح» نام‌گذاری شده، نیاز به پژوهشی جدا دارد.

۴-۲-۴. واژگان اذن و امر

در تحریرهای ۱، ۲ و ۳ عنصری مبنی بر کنش رسول (ص) بر «اذن» متعه یا «امر» به آن وجود دارد. این دو عنصر با یکدیگر سازگاری ندارند. «اذن» در عصر جاهلیت به معنای «گوش» و «شنیدن» بود. در تحولات معنایی، این واژه در کاربردهایی چون «توجه کردن» و «پذیرفتن» نیز استعمال می‌شد (علی، بی‌تا، ۴: ۶۷۰). از همین جهت توجه کردن و پذیرفتن مسبوق به درخواست است. لکن «امر» انشائی است. در نزد عرب این واژه توسط رؤسای قبیله برای دستور دادن به کار می‌رفت و نمادی از اقتدار و قدرت بود (همان، ۱۰: ۲۵۶). با توجه به سیاق خاطره حدیثی، در جریان فتح مکه تعدادی از صحابه از رسول خدا (ص) برای ازدواج موقت درخواست می‌کنند؛ ایشان می‌پذیرند؛ و ۱. «كُنَّا نَسْتَمْتِعُ بِالْقَبْضَةِ مِنَ التَّمْرِ وَ الدَّقِيقِ الْأَيَّامَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ وَ أَبِي بَكْرٍ حَتَّى نَهَى عَنْهُ عُمَرُ» (مسلم بن حجاج، بی‌تا، ۲: ۱۰۲۳).

اجازه صادر می‌کنند. لذا به نظر می‌رسد در فرآیند نقل به معنا، راوی به جای «اذن» از «امر» استفاده نموده است. از شواهد دیگر می‌توان به روایت دیگری اشاره کرد که از واژه «رخص»^۱ استفاده کرده؛ که قرابت معنایی بیشتری با «اذن» دارد.

۴-۲-۵. عنصر متعه

در مورد عنصر متعه به نظر می‌رسد که در تحریر ۱ «استمتاع» در سیر تطور نقل به معنا، تبدیل به «نکاح» در تحریر ۲ شده است. چراکه واژه «استمتاع» در عصر نزول به معنای ازدواج موقت کاربرد داشته است. به صورتی که افرادی چون ابن مسعود، آیه «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاتَّوَهُنَّ أَجُورَهُنَّ فَرِيضَةً» (النساء: ۱۲) قرأت می‌کردند (مقاتل، ۱۴۲۳ق، ۱: ۳۶۷). بیان «الی اجل مسمی» و محدودیت زمانی بهره‌مندی از زنان، بر فهم مبتنی بر ازدواج موقت تاکید دارد. لذا احتمالاً صورت متقدم این خاطره حدیثی مبتنی بر واژه «استمتاع» یا «متعه» بوده است و در سیر تطور، «نکاح» در معنای آن استعمال شده است. بر این اساس در منابع متقدمی چون تفسیر مقاتل، موطا مالک، تفسیر و مصنف عبدالرزاق و مصنف ابن‌ابی‌شیه، واژه «متعه» در موضوع ازدواج موقت استعمال شده است و «نکاح» به تهای کاربردی در معنای ازدواج موقت نداشته است. به صورتی که بیشترین استعمال مربوط به «متعه النساء» می‌باشد. همچنین در مواردی هم «نکاح المتعه» استعمال شده است.

۴-۲-۶. عنصر مهر

در تحریر ۲ از «مهر» و در تحریر ۱ از «ماتبدلان» استفاده شده است. «مهر» قبل از اسلام به عنوان مالی در ازای نکاح زن در اختیار ولی زن (پدر یا برادر) قرار می‌گرفت؛ و زوجه سهمی در آن نداشت (علی، بی‌تا، ۱۰: ۲۰۳). در بافت اجتماعی جاهلیت در ازدواج، انگاره خرید و فروش زن غلبه داشت (نک: شیرزاد و همکاران، ۱۴۰۰ش). از همین جهت است که در نکاح شِغارِ زنی به ازای زن دیگر بین دو خانواده مبادله می‌شد (علی، بی‌تا، ۱۰: ۲۰۳). لذا با توجه به مدت دار بودن ازدواج موقت، واژه «مهر» برای متعه به

۱. «رَخَّصَ رَسُولُ اللَّهِ عَامَ أُوطَاسٍ فِي الْمُتَعَةِ ثَلَاثًا، ثُمَّ نَهَى عَنْهَا» (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱ق، ۲۷: ۸۴).

۲. نکاح عوضی یا نکاح مبادله‌ای: گونه‌ای ازدواج است که در آن، دو سرپرست با مهر قرار دادن دخترانشان آن دو را به همسری یکدیگر در می‌آورند. این گونه که یکی از دو نفر به دیگری بگوید دخترم (یا خواهرم) را به همسری تو در می‌آورم به شرط آن‌که تو نیز دختر (یا خواهرت) را به همسری من درآوری و مهری نیز در میان نباشد. در واقع مهر آن‌ها یکی به جای دیگری است.

کار نمی‌رفت. قرآن نیز در یک رویکرد جدید فرهنگی که در صدد تغییر انگاره خرید و فروش زن می‌باشد (نک: طیب حسینی و همکاران، ۱۴۰۱ش)؛ به جای استفاده از «مهر» در نکاح دائم از واژه‌هایی چون «أجر» (النساء: ۲۵)، «نَحْلَه»، «صَدُقه» (النساء: ۴) و «فَرِیضَه» (البقره: ۲۳۷) استفاده نموده است. در عصر نزول بهره‌گیری از واژه «مهر» در ازدواج موقت، نه با بافت اجتماعی قبل از اسلام تناسب داشت؛ و نه با چهارچوب فرهنگی جدیدی که اسلام بنیان گذاشت. چراکه خود واژه مهر در جاهلیت صرفاً برای ازدواج دائم به کار می‌رفت؛ و در متعه نساء مهریه وجود نداشت^۱ (علی، بی‌تا، ۱۰: ۲۰۸).

همچنین با بررسی منابع متقدمی چون تفسیر مقاتل، موطأ مالک، مصنف عبدالرزاق و مصنف ابن ابی شیبہ اخبار زیادی در موضوع ازدواج موقت و مهریه آن یافت نمی‌شود. در تفسیر مقاتل، کاربرد واژه مهر صرفاً مربوط به نکاح دائم می‌باشد. در موطأ از «مهر البغی» تحت عنوان ثمن زنا نهی شده است (۴: ۹۵۰). در مصنف عبدالرزاق در چند خبر به ثمن متعه نساء اشاره شده است: «ان شریحا متع بخمس مائه درهم» (۷: ۷۳). لذا به نظر می‌رسد «ماتَبْذَلان» نسبت به «مهر» متقدم‌تر است؛ و واژه «مهر» در تحریر ۲ نقل به معنای آن می‌باشد.

۴-۲-۷. ارزیابی کلی تحریرها

در ارزیابی چهار تحریر حدیث متعه سبزه در فتح مکه، تحریر ۱ و ۲ نسبت به تحریرهای دیگر حدیث مزید است. معمولاً احادیث مزید در مقایسه با احادیث هم‌معنای خود با داشتن چند کلمه و یا جمله اضافه دچار عارضه ادراج شده‌است (معارف، ۱۳۹۵ش، ۲۲۱). در تحریر ۱ و ۲ با یک روایت یک‌پارچه داستانی با عناصر و مفاهیم مشترکی همانند ممنوعیت متعه (نهی یا حرمت)، دو مرد طالب، زن جوان، مهریه یا ماتَبْذَلان، زیبایی و یا جوانی مرد و عناصر اختصاصی همچون ۱۵ شبانه‌روز اقامت (تحریر ۱) روبرو هستیم. در طول تاریخ، گروهی از راویان با انتخاب مضامین مختلف از احادیث و ترکیب اجزاء آن‌ها در صدد ایجاد یک روایت یکپارچه داستانی بودند (قندهاری و راد، ۱۳۹۹ش، ۸۴). داستان منسجمی که در صدد بازآفرینی خاطره‌ای از صدر اسلام است که در آن رسول (ص) نکاح متعه را ممنوع کرده است. در ارزیابی تک تک تحریرهای ۱ و ۲ تمامی عناصر موجود باهم سازگار هستند. در این دو تحریر تنها ناسازگاری مربوط به عدم بیان علت نهی و یا تحریم است. یک سکوت آزار دهنده و یا پرش داستانی که ثمره حذف و یا

۱. «نَكَاحَ الْمُتَعَةِ الْغَالِبُ عَلَيْهَا سُقُوطُ الصِّدَاقِ وَ الْخِطْبَةُ مِنْهَا».

تقطیع روایت است. این خاطره حدیثی برای علت نهی متعه هیچ دلیلی ارائه نمی‌دهد. مشخص نیست که چرا یک مرتبه متعه توسط رسول (ص) نهی شده است. انگار که در یک جریان هماهنگ، تلاش شده تا بخشی از داستان که مربوط به تعلیل نهی متعه است؛ حذف شود. احتمالاً محتوا یا قرینه‌ای که علت نهی را بیان کرده؛ تقطیع و یا حذف شده است. معمولاً تقطیع به دلیل مشتمل بودن یک روایت بر موضوعات و احکام مختلف برای جای‌گذاری موضوعات متفاوت در أبواب مختلف جوامع حدیثی، حذف عناصر غیر اصلی - غیر ضروری - جهت جلوگیری از طولانی شدن روایت و خارج شدن از حوصله مخاطب و در نهایت برای بهره‌گیری از یک حدیث در یک کارکرد اجتماعی خاص انجام شده است. این کارکرد در بسیاری از موارد در راستای اثبات عقاید قومی، گروهی و سیاسی بوده است (معارف، ۱۳۸۷ش، ۸۴).

تقطیع انجام شده در این تحریرها به دلیل زیاد بودن جزئیات نیست و احتمالاً کارکردی اجتماعی در جهت انسجام اجتماعی داشته است. در بررسی این چهار تحریر متفاوت در فتح مکه، مخاطب با یک سیر تحول در تقطیع و حذف عناصر داستانی روبرو می‌شود. در تحریر ۴، راوی با حذف تمامی عناصر داستانی روایت و علت نهی، فقط به بیان نهی از متعه اکتفا کرده است. جعفر مرتضی عاملی (م ۱۳۹۸ش) نهی متعه در فتح مکه را بعد از اذن به آن، مربوط به ایجاد آمادگی در مسلمانان برای ترک مکه در راستای سیاست‌های نظامی و حکومتی می‌داند نه حرمت شرعی (عاملی، ۱۴۱۸ق، ۱: ۳۶۲).

تشتت اخبار نهی متعه در زمان‌های مختلف (عام الفتح، یوم خیبر، عام أوطاس و حجه الوداع)، اخبار جاری بودن متعه تا زمان خلیفه دوم و اخبار نهی متعه توسط خلیفه دوم می‌تواند فرضیه تقطیع و حذف علت نهی متعه در احادیث سیره را تقویت نماید. تقطیع و حذف در این تحریرها، کارکردی اجتماعی برای مشروعیت بخشی و توجیه رأی خلیفه دوم در راستای یک‌پارچگی و انسجام جامعه اسلامی و احتمالاً جلوگیری از بهره‌گیری جنسی لجام گسیخته و بدون قانون و ضابطه داشته است. به صورتی که خلیفه دوم در بازگشت زنان اسیر شده نبرد جلولا در سال ۱۶ قمری از فرزندانی که از زنان اسیر شده این نبرد بوجود آمده است؛ شکایت می‌کند^۱ (دینوری، ۱۳۷۳ش، ۱: ۱۲۹). انگار که بهره‌مندی مسلمانان از این سبایا هنگام اسارت، تا رسیدن به مدینه در چهارچوب متعه نکاح مشکلات زیادی را رقم زده بود. تحریرهای ۱ و ۲ مبتنی بر «اذن» و تحریر ۳ مبتنی بر «امر» است؛ و در تحریر ۴ این عنصر به صورت کلی از روایت حذف شده است. به

۱. «كَانَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُكَ مِنْ أَوْلَادِ سَبَايَا الْجَلُولِيَّاتِ».

نظر می‌رسد که در سیر تحول تلخیصی تحریرها و تقطیع، عنصر درخواست مسلمانان از رسول (ص) برای رفع حاجت جنسی حذف شده است^۱ (سعید، ۱۴۰۳ق، ۱: ۲۵۰). درخواست مسلمانان برای متعه در شرایطی که دور از زنانشان قراردارند؛ امری طبیعی است. درخواستی که منجر به اذن رسول در تحریرهای ۱ و ۲ شده است. در جمع‌بندی این چهار تحریر می‌توان عناصری چون «عام فتح مکه»، نهی، اذن، استمتاع و ماتبذلان را عناصری اصیل و نزدیکتر تر به عصر نزول دانست. احتمالاً واژگان دیگر را می‌توان نقل به معنا دانست.

در نتیجه‌گیری نیز دیگر مقدمات گفته نمی‌شود، بلکه خواننده انتظار تحلیل نهایی و صریح و شفاف شما را دارد. تعجب است که چرا مؤلف تحلیل نهایی و شفاف خود را نه در چکیده و نه در نتیجه‌گیری بیان نمی‌کند و دائم در هاله‌ای از ابهام صحبت می‌کند.

۵. نتیجه‌گیری

۱- یافته‌های جدید حدیث‌پژوهان با کتابت تمامی میراث حدیثی در عصر نبوی توسط صحابه تناسب ندارد. بدیهی است که بخشی از میراث حدیثی امروزی ولو به صورت نقل به معنا، منشأش به عصر نبوی و بیان رسول (ص) باز می‌گردد.

۲- پژوهش‌های جدید، یاریگر یافتن پاسخی جدید برای سؤال چپستی، منشأ و شیوه انتقال احادیث خواهد بود. بهره‌گیری از مطالعات جامعه‌شناسی و روانشناسی حافظه می‌توان این مسئله را در چهارچوب خاطرات صحابه از رسول خدا (ص) تبیین نمود. بر این اساس منشأ تعداد قابل توجهی از احادیث می‌تواند بازآفرینی خاطرات صحابه از رسول خدا (ص) در طول سده اول بر اساس نیازمندی‌های اجتماعی باشد. راویان در بازآفرینی خاطره براساس اکنون اقدام به گزینش، برجسته‌سازی، حذف و درج عناصری در روایت خواهند نمود.

۳- در ارزیابی موردی تظور چهار تحریر از خاطره حدیثی نهی نکاح متعه سیره جهانی، شواهدی از این‌گونه عوارض وجود دارد. کارکرد اجتماعی تحریرهای مختلف حدیث در راستای متقاعدسازی مخاطب در دوره تابعین (بعد از دوره خلفای چهارگانه و رسمیت یافتن سنت شیخین) بر تحریم نکاح متعه توسط رسول (ص) در سده اول می‌باشد. سیره در حال بازآفرینی خاطره خود از مصاحبت با رسول خدا در فتح مکه در موضوع متعه زنان می‌باشد؛ و پسرش در حال نقل به معنای کلام و خاطره پدر خویش

۱. «لَمَّا قَدِمَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فِي مَكَّةَ فِي عُمَرَتِهِ، تَزَيَّنَ نِسَاءُ أَهْلِ الْمَدِينَةِ، فَشَكَا أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ (ص) إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) قَالَ: تَمَتَّعُوا مِنْهُنَّ».

بوده است. طبیعی است که بافت اجتماعی دوران ربیع در بیان روایت بسیار موثر است. بافت اجتماعی که ممنوعیت متعه زنان تحت عنوان سنت شیخین پذیرفته شده است. از همین جهت است که بعضی از تحریرها به نهی کفایت نمی‌کنند و بر تحریم تاکید دارند. ۴- هیچ‌کدام از تحریرها دلیلی برای ممنوعیت و حرمت بعد از اجازه به متعه ارائه نمی‌دهند. انگار که دلیل حرمت متعه یا به صورت عمدی حذف شده است؛ و یا آن‌قدر بدیهی است که نیازی به بیان آن نیست.

دست‌رسی به داده‌ها

داده‌های تولیدشده در این پژوهش در متن مقاله ارائه شده است.

تضاد منافع نویسندگان

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که هیچ‌گونه تضاد منافی در رابطه با نویسندگی و یا انتشار این مقاله ندارند.

منابع

قرآن کریم.

ابن ابی‌شیه، ابوبکر، المصنف فی الاحادیث و الآثار، محقق: کمال یوسف الحوت، ریاض، مکتبه الرشید، ۱۴۰۹ق.

ابن سعد، ابوعبدالله محمد، الطبقات الکبری، محقق: احسان عباس، بیروت، دارصادر، ۱۹۶۸م.

ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، محقق: عبدالسلام محمد هارون، بی‌جا، دارالفکر، ۱۳۹۹ق.

ابویوسف قاضی، یعقوب بن ابراهیم، الرد علی سیر الاوزاعی، تحقیق: ابوالوفا الافغانی، حیدرآباد دکن، لجنه احیاء المعارف النعمانیه، بی‌تا.

احمد بن حنبل، ابوعبدالله، مسند، بی‌جا، موسسه الرساله، ۱۴۲۱ق.

اسپیت، مارستن، وصیت سعد بن ابی وقاص: تطور یک روایت، مترجم: سیده‌زهره مبلغ، تهران، حکمت، ۱۳۹۴ش.

بخاری جعفری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری: کتاب الجامع المسند الصحیح المختصر من امور رسول الله (ص) و سننه و ایامه، محقق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، دمشق، دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ق.

بختیاری، فاطمه، و حسن حضرتی. "پی‌گیری رد حلقه تفسیری ابن عباس در تاریخ‌نگاری قدسی مسلمانان". پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی ۵۵، ۲ (۱۴۰۱): ۳۷۵-۳۹۸. doi: 10.22059/jhic.2023.366078.654438

بیهقی، ابوبکر، السنن الکبری، محقق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق.

پاکتچی، احمد، فقه الحدیث: مباحث نقل به معنا، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۴ش.

پاکتچی، احمد؛ میرحسینی، یحیی، تاریخ حدیث، تهران، انجمن علمی دانشجویی الهیات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰ش.

حیدری نژاد، سعیده، وفاطمه جان احمدی. "بررسی نقش شهر انبار در تکوین و انتقال خط عربی". تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی ۱۰، ۳۵ (۱۳۹۸): ۴۹-۶۲. doi: 10.22052/hadith.2021.242048.0
 خواجهی، هادی، علی بیات، و حمید باقری. "محوریت بوم مدینه در حدیث و پیدایی گفتمان فرابومی حدیث در میان محدثین اهل سنت در دوسده نخست هجری". حدیث پژوهی ۱۵، ۲۹ (۱۴۰۲): ۳۱۱-۳۴۲.

doi: 10.22052/hadith.2021.242048.0

دلبری، سیدعلی. "ادراج در متن حدیث: انواع، عوامل و پیامدهای آن". تحقیقات علوم قرآن و حدیث ۱۰، ۱۹ (۱۳۹۲): ۵۶-۳۱. doi: 10.22051/tqh.2014.907

دلبری، سیدعلی. "انسب «نقل به معنا» در احادیث، عوامل و پیامدها". علوم قرآن و حدیث ۴۲، ۸۴ (۱۳۸۹): ۵۹-۹۲. doi: 10.22067/naqhs.v42i1.11807

دهقان، علی، کاوس روحی، احمد پاکتچی، و خلیل پروینی. "پی جویی مؤلفه‌های مفهوم جهانی حکمت در مفهوم قرآنی آن". کتاب قیم ۸، ۱۸ (۱۳۹۷): ۷-۳۰.

دینوری، ابوحنیفه، الاخبار الطوال، محقق: محمد عبدالمنعم، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۳۷۳ ش.

ذهبی، شمس‌الدین، الموقظه فی علم المصطلح الحدیث، حلب، مکتبه المطبوعات الاسلامیه، ۱۴۱۲ ق.

ذهبی، محمدحسین، التفسیر و المفسرون، قاهره، مکتبه وهبه، ۱۳۹۸ ق.

رودگر، قنبرعلی، هادی عالمزاده، و ابراهیم علی سلیمی. "سرگذشت خطبه از جاهلیت تا عصر رسالت نبوی". پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی ۴۸، ۱ (۱۳۹۴): ۲۹-۴۶. doi: 10.22059/

jhic.2017.241786.653810

زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بی‌جا، طبعه عیسی البابی الحلبی و شرکاء، بی‌تا.

سجادی، صادق. «مدخل ایام العرب»، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی: ۱۳۹۹ ش.

سعیدبن منصور، ابوعثمان، سنن، محقق: حبیب الرحمن الاعظمی، هند، دارالسلفیه، ۱۴۰۳ ق.

شریفی، محمد، و طاهره کریمی. "نقل به معنا در روایات: ملاک‌ها و شاخص‌های تشخیص". حدیث و اندیشه ۱۶، ۳۲ (۱۴۰۰): ۱۷۷-۲۰۴.

شوقی، ضیف، تاریخ ادب عربی، مترجم: علیرضا دکاوتی قراقرزلو، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۳ ش.

شولر، گریگور، شفاهی و مکتوب در نخستین سده‌های اسلامی، مترجم: نصرت نیل‌ساز، تهران، حکمت، ۱۳۹۳ ش.

طبری، محمدبن جریر، تاریخ الرسل و الملوک، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷ ق.

طیب‌حسینی، سید محمود، علی محمد حکیمیان، محمدحسین شیرزاد، و محمدحسن شیرزاد. "معناشناسی تاریخی واژه «مهر»: کاوشی در دلایل حذف «مهر» از نظام واژگانی قرآن کریم". کتاب قیم ۱۲، ۲۷ (۱۴۰۱): ۷-۲۳. doi: 10.30512/kq.2021.16459.3054

عاملی، جعفرمرتضی، زواج المتعه، بی‌جا، مرکز اسلامی للدراسات، ۱۴۱۸ ق.

عبدالرزاق صنعانی، ابوبکر، المصنف، محقق: حبیب الرحمن الاعظمی، هند، المجلس العلمی، ۱۴۰۳ ق.

عسقلانی، ابن حجر، لسان المیزان، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۷۱ م.

علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بی‌جا، کتابخانه مدرسه فقاوت، بی‌تا.

کنوبلاخ، هوبرت، جامعه‌شناسی معرفت، مترجم: کرامت‌الله راسخ، تهران، نی، ۱۴۰۰ ش.

کوزر، لوئیس، موریس هالبواکس و حافظه جمعی، مترجم: مهدی سلیمان و لیلا طباطبایی‌یزدی، تهران، حکمت سینا، ۱۴۰۲ ش.

مالک‌بن انس، الموطأ، محقق: محمد مصطفی الاعظمی، ابوظبی، موسسه زایدبن سلطان آل‌نهیان لاعمال الخیریه و الانسانیه، ۱۴۲۵ ق.

مسلم‌بن حجاج، ابوالحسن، المسند الصحیح المختصر بنقل العدل الی رسول الله، محقق: محمدفواد عبدالباقی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.

معارف، مجید، تاریخ عمومی حدیث، تهران، کویر، ۱۳۹۳ ش.
 معارف، مجید، جوامع حدیثی اهل سنت، تهران، سمت، ۱۳۹۵ ش.
 معارف، مجید، شناخت حدیث: مبانی فهم متن، اصول نقد سند، تهران، نیا، ۱۳۸۷ ش.
 مقاتل، ابن سلیمان، التفسیر، محقق: عبدالله محمود شحاته، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۴۲۳ ق.
 موسوی، زهره سادات، فتحیه فتاحی زاده، و محمد عترت دوست. "تحلیل محتوای روایات متعه در منابع حدیثی شیعه". مطالعات فهم حدیث ۸، ۱۶ (۱۴۰۱): ۱۱۹-۱۴۵. doi: 10.30479/mfh.2022.2586
 مهدوی راد، محمدعلی، و سیدعلی دلبری. "بررسی آسیب تقطیع نادرست در روایات". علوم حدیث ۱۵، ۵۵ (۱۳۸۹): ۱۳۲-۱۵۷.
 میرداماد، میربرهان الدین، الرواشح السماویه فی شرح الاحادیث الامامیه، محققان: قیصریه‌ها غلام حسین و لیلی نعمت‌الله، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۲ ق.
 نجفی، روح‌الله. "نقل به معنا؛ کلید فهم اختلاف مصاحف صحابه". مطالعات قرائت قرآن ۱۰، ۱۹ (۱۴۰۱): ۳۳-۹. doi: 10.22034/qer.2023.7582
 نجفی، محمدجواد. "نسب‌شناسی در دوره‌ی اسلامی". تاریخ اسلام ۴، ۱۳ (۱۳۸۲): ۴۴-۵.
 نولدکه، تنودور، تاریخ القرآن، نیویورک، دار نشر جورج المز، ۲۰۰۰ م.
 واقدی، محمدبن عمر، المغازی، تحقیق: مارسدن جونز، بیروت، دارالاعلمی، ۱۴۰۹ ق.
 ویجینگارت، رمکو فاندرا، تکنیک‌های بازسازی خاطرات، مترجم: حسین حسینی و حسن حمیدپور، تهران، اسبار، ۱۴۰۳ ش.

Kosslyn, Stephen M. 'Image and Brain: The Resolution of the Imagery Debate'. MIT Press, 1994.
 Motzki, H., with Boekhoff-van der Voort, N., & Anthony, S. W. Analysing Muslim traditions: Studies in legal, exegetical and Maghāzi ḥadīth. Brill, 2010.
 Tylor, Edward. "Primitive Culture" (Vol. 1). New York: J.P. Putnam's Son, 1871.